

فمینیسم؛ زشت و زیبا

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

کوششی در راستای نگاهی اعتدالی به

« مسائل زنان »

محمد جمال الدین واژی

فهرست

□ درآمد ۱۱

بخش اول

چیستی فمینیسم (۱۹)

فصل اول: تعریف و تاریخ فمینیسم ۲۱

تعریف «جنش» ۲۱

طبقه‌بندی و مراحل جنش‌های اجتماعی ۲۳

تعریف «فمینیسم» ۲۶

گذری کوتاه بر روند تاریخی جنش فمینیسم ۲۸

موج اول ۳۴

موج دوم ۳۵

موج سوم ۳۹

نقش زنان در زندگی سیاسی ۴۰

فصل دوم: مبانی و بافت فلسفی جنش فمینیسم ۴۶

اومانیسم ۴۸

ماتریالیسم (ماده‌باوری یا مادی‌گرایی) ۴۸

سکولاریسم و راسیونالیسم ۴۹

لیبرالیسم ۵۳
 اندیویدوالیسم (فردگرایی) ۵۵
 ماکیاولیسم ۵۶
 هدونیسم و ابزوردیسم (منفعت طلبی، لذت‌گرایی و هیچ‌انگاری) ۵۷
 آنتروپولوژی (انسان‌شناسی) فمینیستی ۶۰
 فلسفه‌ی دین از منظر فمینیسم ۶۲
 فلسفه‌ی سیاسی فمینیسم ۶۳

فصل سوم: رویکردها و گرایش‌های فمینیسم
 فمینیسم لیبرال - اصلاح طلب ۶۸
 فمینیسم رادیکال ۶۹
 فمینیسم مارکسیستی ۷۱
 فمینیسم سوسیالیستی ۷۴
 فمینیسم پست مدرن ۷۶
 فمینیسم پسا استعماری ۷۸
 فمینیسم اگزستانسیالیستی ۸۰
 فمینیسم مادرانه ۸۴
 فمینیسم روان‌کاوانه ۸۶
 فمینیسم اسلامی ۸۷

فصل چهارم: برخی علل وقوع جنبش فمینیسم

فصل پنجم: نگاهی اجمالی به وضعیت زنان در جوامع اسلامی ۱۰۳
 گذری سریع بر جنبش زنان در ایران ۱۲۰
 برخی از نقاط ضعف جنبش معاصر زنان ایران ۱۴۵
 کویانی؛ ظهور پارادایم نوین و متفاوت حضور زنان ۱۵۲
 ۱۵۸

فصل ششم: اهداف فمینیسم
 ۱۶۹
 تغییر معادلات سیاسی و اقتصادی ۱۷۰
 تغییر مناسبات حقوقی و مدنی ۱۷۲
 حذف نظام خانواده‌ی هسته‌ای ۱۷۴
 ساخت شکنی از زبان ۱۷۷
 ساختن جامعه‌ای دوجنسیتی ۱۸۰

بخش دوم

تحلیل و نقد جنبش فمینیسم (۱۸۵)

درآمد ۱۸۷

فصل هفتم: آیا فمینیسم یک مکتب است؟
 ۱۹۴
 پارادوکس‌های فمینیسم ۱۹۵
 مصادیق پارادوکس ۱۹۸

فصل هشتم: نقد برخی گرایش‌های فمینیسم
 ۲۲۰
 فمینیسم لیبرال ۲۲۱
 فمینیسم رادیکال ۲۲۳
 فمینیسم مارکسیستی ۲۲۶
 فمینیسم سوسیالیستی ۲۲۸
 فمینیسم پست مدرن ۲۲۹
 فمینیسم اگزستانسیالیستی ۲۳۰
 فمینیسم اسلامی ۲۳۳

فصل نهم: جهانی شدن و استفاده‌ی ابزاری از زنان
 ۲۴۰
 کنفرانس جمعیت در قاهره ۱۹۹۴ ۲۴۵
 کنوانسیون مبارزه با تمام مصادیق تبعیض علیه زنان ۲۴۸

فصل دهم: زن؛ خانواده و مسائل جنسی..... ۲۵۳

تغییر ارزش ها و ساخت شکنی از اخلاق..... ۲۶۷

تردید در صحت دین..... ۲۶۷

مالکیت زن بر بدنش..... ۲۶۸

آزادی همجنس بازی..... ۲۶۹

بازگشت ارزش ها به مبارزات فمینیستی؟..... ۲۷۱

مزایای خانواده و علل ضرورت وجود آن..... ۲۷۸

بخش سوم

گفتمان پوشش حفره ها (۲۸۹)

فصل یازدهم: دانشوران مسلمان و بازنگری در فقه زنان..... ۲۹۱

لزوم حیات اجتهاد و بازنگری در میراث گذشته..... ۲۹۳

بررسی رویکردهای مختلف فقهی به مقوله ی زن..... ۳۰۷

بررسی برخی از مصادیق..... ۳۳۷

اصل خلقت زن از دنده ی چپ بدن مرد..... ۳۳۷

نسبت دادن گناه اولیه به تحریکات زنانه..... ۳۳۸

تبعیض بین زن و مرد..... ۳۴۰

ناقص بودن عقل و دین زنان و نصف بودن شهادت آنان..... ۳۵۲

برخی دیگر از مسائل نیازمند بازخوانی..... ۳۵۵

□ سخن پایانی..... ۳۸۹

□ کتابنامه..... ۳۹۷

درآمد

«ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حوا) آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید (و هرکسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شما است. خداوند مسلماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه کس و همه چیز) است.»^۱

بنا بر سنت آفرینش، انسان از دو نوع متمایز و مکمل هم با کمیته تقریباً برابر در طول تاریخ ترکیب یافته است. آفریدگار حکیم در میان آنان به صورتی فطری، عشق و محبت را به ودیعه نهاده و سپس با هدف بقای نسل و برای کامل نمودن ارکان زندگی مشترک و استحکام بین آنان و با امعان نظریه همانندی ها و تمایزات، استعدادها و کاستی ها و علایق و توانایی های جسمی، روانی و فطری شان، حقوق و تکالیفی ساختارمند را بدون غور در جزئیات برای آنان وضع نموده و ریزه کاری ها را با توجه به ظروف زمانی و مکانی به خودشان واگذار کرده است.

این توافق و توفیق حرکت به سوی تکامل بین زن و مرد که هدف خالق انسان است، تا زمانی پاینده خواهد بود که انسان ها قطع النظر از جنسیت همزیستی کنند، لیکن آینده ی تاریخ می گوید که هرگاه ایشان گرفتار منیت و تعصبات جنسیتی شدند و از قله ی «ما» به حوض «من» سقوط کردند، به تشنت و اختلاف گرفتار آمده و حقوق هم را پایمال نمودند و قابل انکار نیست که در اختلافات بین زن و مرد غالباً زنان به علت ضعف فیزیکی بیشتری رنج ها را متحمل شده اند. حکایت روزگاران گذشته در شرق و غرب می گوید که گاهی به زنان اصلاً به دیده انسان نگریسته نشده و گاه فقط اسم انسان را یدک کشیده و در عمل از ارزش های

انسانی ساقط شده‌اند. مگر تا همین قرن پیش در مغرب زمین به تاسی از یونان باستان - که زنان و بردگان از حقوق شهروندی محروم بودند - زنان به صورتی سیستماتیک و طبق قوانین مکتوب از حقوق اولیه‌ی خود بازمانده بودند؟ و مگر حتی از حق مالکیت محروم نبودند؟ ما هنوز فاصله‌ی چندانی با دورانی که اموال زنان از پدر به شوهر منتقل می‌شد نداریم و تا سال ۱۹۲۱ میلادی، قراردادهای فروش زنان و کودکان پابرجا بود.^۲ و امروزه نیز زنان در بسیاری از نقاط جهان - به خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته - به عناوین مختلف در رنج‌اند و حتی از برخی حقوق ابتدایی نیز محروم‌اند چه رسد به حقوق عادلانه یا برابر با مردان...

وجود فرهنگ استبداد و ستمگری در بین انسان‌ها بازتاب چند ناسازگار است که این ناسازگاری‌ها خلأهای بسیاری در جامعه به وجود آورده و باعث ناهنجاری‌های گوناگونی از قبیل اختلاف طبقاتی، مسائل نژادی و ملی و قضایای زنان شده و به تولید و بازتولید فرهنگ ستمگری انجامیده و آن را نهادینه نموده است:

- ناسازگاری توانمند و ناتوان (فیزیکی و بدنی)
- ناسازگاری فرادست و فرودست (توزیع ثروت)
- ناسازگاری چیره و فروتن (تقسیم قدرت)
- ناسازگاری بالا و پایین (توزیع نقش)^۳

این ناسازگاری‌ها که در بیشتر اوقات به بی‌عدالتی و اجحاف‌هایی در حق زن‌ها انجامیده است، سرانجام بعد از قرن‌ها و هزاره‌ها به حرکت‌هایی نرم و خزننده برای احقاق برابری منجر شده و در مقطعی از تاریخ به فمینیسم موسوم گشت و به صورتی پیوسته رو به گسترش نهاد. «میچل» ریشه‌های جنبش فمینیستی را در مفهوم برابری انسان‌ها و تساوی حقوقی می‌داند که ابتدا در قرن هفدهم در انگلستان مطرح شد و سپس در عصر روشنگری و انقلاب کبیر فرانسه در سده‌ی هیجدهم به شکوفایی رسید. مطالبات برحق که از نادیده گرفتن گروه اجتماعی زنان در جامعه‌ی نوین پس از انقلاب انگلستان برخاسته بود. «مری آستل» در سال ۱۷۰۰ در نوشته‌ای پرسید: «وقتی همه‌ی مردان آزاد به دنیا آمده‌اند چرا زنان همگی برده متولد شده‌اند؟ چه انتظار دیگری می‌توان داشت وقتی زنان ناچار به تبعیت از اراده‌ی ناپایدار، ناشناخته و مطلق مردان باشند که عین بردگی است؟»^۴

در این برهه‌ی نسبتاً طولانی از تاریخ به مرور و البته به زور و بدون تمایل مردان و حتی گاه در مقابل مقاومت‌های سخت و البته گاه با همراهی ملایم آنان، سعی در اصلاح وضعیت و

حل مسائل زنان شد و آرام‌آرام تغییراتی در وضعیت ایشان به وجود آمد. مردان به مرور قبول کردند که زنان را به عنوان شریک در زندگی بپذیرند. «فمینیسم توجه برانگیزترین بخش جنبش اصالت دیگری است که در مقطعی از تاریخ در قلمرو نژاد، قومیت و جنسیت در راستای بازسازی مفاهیم پدید آمد».^۵ گرچه نگاه جوامع بشری به زنان در بیشتر دوره‌ها و مقاطع تاریخی و در میان اکثر ملل، نگاهی تکلیف‌محور بوده است لیکن ایشان به عنوان نیمی از کیان انسانی دارای حقوق طبیعی خود‌اند. پس حقوق زن نه یک پدیده بلکه لازمه‌ی آفرینش متکامل زن و مرد و البته واقعیتی تاریخی است که همیشه در جریان و مورد بحث بوده است گرچه تلاش‌ها در راستای احقاق این حقوق در بسیاری از بسترهای زمانی و مکانی، دارای شکلی مقطعی، معامله‌گرانه و غیر واقعی بوده است.

چنان‌که از شواهد و قرائن تاریخی برمی‌آید، ستم بر زنان در غالب دوره‌های تاریخ بشر تداوم داشته است گرچه وجود این ستم، همیشه و در همه جا ثابت نیست و شدت آن نیز متغیر است. لیکن نکته‌ای که غیر قابل انکار است اینکه در مغرب زمین به عنوان بستر ظهور فمینیسم، احساس زنان در هنگامه‌ی واقعی شدن مبارزات با سلطه‌ی مردانه، این بود که آنان تحت ستم فراوانی قرار گرفته‌اند و باید از این وضعیت خلاصی یابند. بعد از شروع مبارزات، سیر وقایع طوری پیش رفت که رفلکس و واکنش زنان در مقابل ستم‌های مردانه نیز در حد اعتدال متوقف نشده و مانند پاندول ساعت، افراط دیگری در طرف مقابل صورت گرفت و در نهایت شاخه‌ای از فمینیسم به جنبشی رادیکال، شبه‌فاشیستی و گاه بنیان‌کن بدل شد که نمی‌توان تمام گناه این صورت‌بندی را به پای زنان نوشت. «دکتر محمد عماره» می‌گوید: تفاوت بین دعوت به آزادی و برابری حقوقی زنان و مردان با حرکت‌ها و گرایش‌های رادیکال فمینیستی از عقل تا جنون است. چون نهایت هدف جنبش برابری و آزادی زن، مطالبه‌ی حقوق حقه‌ی زن بوده که در طول تاریخ زیر پا نهاده شده است، و این جنبش مشروع، خواستار حفظ واقعیت و تعریف صحیح وظایف طرفین است. اما تفکرات فمینیستی مدرن و پست مدرن غربی در افراطی‌گری به مرز آناشسیسم و نیهیلیسم رسیده و حداقل یقینی را که در اندیشه‌ی بشر امروزی به کوشش سکولاریسم، ماتریالیسم و سوسیالیسم، جایگزین آرامش دینی شده بود ریشه‌کن نمودند. پس گرایش‌های فمینیستی، انقلابی آناشسیستی است که با تمام انقلاب‌های اصلاح‌گرا مغایر بوده و جنگی است علیه سرشت زن و مرد.^۶

از سوی دیگر در صف مدافعان حقوق زنان، فرهیختگان بسیاری حضور دارند که از